

فارسی ۱ (درس‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹)

۱- در میان گروه واژه‌های زیر، معنای چند واژه نادرست است؟

«کاید: مکار»، «چنان: بهشت‌ها»، «تقریر: مقرر کردن»، «ریش: زخمی»، «هَرَّآ: آواز مهیب»، «مهمیز: افسار اسب»، «کله: برآمدگی پشت پای اسب»، «رمه: آزاد و رها» (مخمصه: غم بزرگ)، «مکاری: کرایه‌چی»، «صور: شادی»

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۲- در کدام دو گروه معنای همه واژه‌ها صحیح است؟

الف) «بدسگال: بداندیش»، «مخذول: زیون گردیده»، «گرده: کتف»
ب) «تیزپا: شتابنده»، «تکیده: لاغر»، «مرمت: اصلاح»
پ) «رقعه: نامه»، «معاصی: گناه»، «خذلان: بی‌بهرگی از یاری»
ت) «نوش: شهید»، «ملال: افسردگی»، «تنگ مایه: محدود»

۱) الف و ب (۲) ب و پ (۳) پ و ت (۴) ب و ت

۳- واژه «سودا» در کدام گزینه با مفهوم متفاوتی به کار رفته است؟

۱) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها / بی‌خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها
۲) دلم از پختن سودای وصال تو بسوخت / تو من خام طمع بین که چه سودا دارم
۳) نظر به شاخ بلند است مرغ وحشی را / تلاش دار کند، هر سری که سودایی است
۴) نه تو را از من مسکین، نه گل خندان را / خیر از مشغله بلبل سودایی هست

۴- در همه گزینه‌ها غلط‌املائی مشاهده می‌شود به جز گزینه

۱) چو قالب شد هوای دلستانش / بپرسید از رقیبان داستانش
۲) غرض ز علم چه؟ بینایی است و پی بردن / به این‌که این صواب است یا که آن خطاست
۳) به می، امارت دل کن که این جهان خراب / بر آن سر است که از خاک ما بسازد خشت
۴) حکمش روان چو باد در اطراف بر و بهر / مهرش نهان چو روح در اعضای انس و جان

۵- در میان گروه واژه‌های املائی زیر، املائی چند واژه نادرست آمده است؟

«صولت و هیبت / مشوش و آشفته / لئیمی و فرومایه‌گی / عنود و بدخواه / حقارت و خواری / لغزش و ذلت / نفخ و دمیدن / غرابت و خویشاوندی / تیمار و اندیشه»

۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۶- در کدام گزینه هسته گروه اسمی یک واژه مرکب است؟

۱) دل خویش را بگفتم چو تو دوست می‌گرفتم / نه عجب که خوب‌رویان بکنند بی‌وفایی
۲) شمع دل دمسازم بنشست، چو او برخاست / وافغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست
۳) آبروی شمع و مه را ریخت دوش / آفتاب روی بزم آرای تو
۴) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۷- در کدام بیت هر دو نوع «واو»، «عطف» و «ربط» وجود ندارد؟

۱) چنین است رسم سرای بلند / جهان یکسره درد و رنج است و پند
۲) من از این دیده خون‌بار شبی می‌بینم / سیل برخاسته و شهر و عمارت برده
۳) در هجرانم قرار می‌باید و نیست / آسایش جان زار می‌باید و نیست
۴) شب‌ها اسیر دردم و خوابم نمی‌برد / وین آب دیده، سوزش و تابم نمی‌برد

۸- در همه ابیات به جز بیت گزینه جابه‌جایی ضمیر دیده می‌شود.

۱) هزار سال گرم باشد عمر ای گل رعنا / به یاد روی تو هر لحظه چون هزار بنالم
۲) گرت عزت دهد، رو ناز می‌کن / وگر نه چشم حسرت باز می‌کن
۳) دست موتم نکند میخ سراپرده عمر / گر سعادت بزند خیمه، به پهلوی توام
۴) پیش قدمش به سر دویدم / در پای فتادمش که ای دوست

۹- چنانچه بخواهیم ابیات زیر را به لحاظ دارا بودن آرایه‌های «تضمین، تشبیه، ایهام، مجاز، حس آمیزی» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (الف) بر آن نامه بنهاد خسرو نگین / فرستاده را داد و کرد آفرین
(ب) «صائب» این آن غزل حافظ شیراز که گفت: / مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
(ج) کامم از تلخی غم چون زهر گشت / بانگ نوش شادخواران یاد باد
(د) چیدی چو کیبوترم پر و بال / زاغان نبرند چینه (= دانه) من

(هـ) دلا منال ز بیداد و جور یار که یار / تو را نصیب همین کرد و این از آن داد است

(۱) ج - د - الف - ب - هـ (۲) الف - ج - ب - هـ - د (۳) الف - هـ - د - ج - ب (۴) ب - د - هـ - الف - ج

۱۰- آرایه نوشته شده در مقابل چند گزینه نادرست است؟

- (الف) نور فلق چو چهره دیو سپید زشت / رنگ شفق چو خون یل اسفندیار تلخ (تضاد)
(ب) گر به سبک مدعی رنگین نمی گویم سخن / رخ متاب از من که عاشق را زبانی دگر است (حس آمیزی)
(پ) خروش سیل حوادث بلند می گوید / که خواب امن در این خاکدان نمی باشد (مجاز)
(ت) گذشت عمر و نیامد شمی به بالینم / به کام من چو نیامد چه کار می آید (ایهام)
(ث) سر به دامان منت بود و ز شاخ بادام / بر رخ چون گلت آرام صبا گل می ریخت (تشبیه)

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۱- مفهوم عبارت «هر چه بر او سخت گرفتند، کمربند خود را تنگ تر بست» را از همه بیت‌ها می توان دریافت به جز گزینه

- (۱) به رغم مدعیانی که منع عشق کنند / جمال چهره تو حجت موجه ماست
(۲) عاشق گریختن نتواند که دست شوق / هر جا که می رود متعلق به دامن است
(۳) ریزند خار اگر به ره من چو گردباد / در قطع راه، بال دگر می شود مرا
(۴) کرده است بی نیاز مرا درد احتیاج / کز عکس چهره خاک چو زر می شود مرا

۱۲- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر تقابل دارد؟

- (۱) به دل دارم غم عشقی نهان از محرمان خوش تر / بلی گنج زمانی را نباشد پاسبان خوش تر
(۲) شور غم عشقش چنین حیف است پنهان داشتن / در گوش نی، رمزی بگو تا برکشد آواز را
(۳) برو ای زاهد خود بین که ز چشم من و تو / راز این پرده نهان است و نهان خواهد ماند
(۴) اگر چه مست بود گل، خراب نیست چو من / که راز نرگس مخمور با شما گوید

۱۳- مفهوم همه گزینه‌ها «پذیرش سختی‌ها و مشکلات عشق» است؛ به جز گزینه

- (۱) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها
(۲) در بیابان طلب گر چه ز هر سو خطرست / می رود حافظ بی دل به تولای تو خوش
(۳) جمال کعبه چنان می دواندم به نشاط / که خارهای مگیلان حریر می آید
(۴) به طواف کعبه رسیدن گذشتن است از خود / خوشا کسی که سر و برگ این سفر دارد

۱۴- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سرافرازی چشم بد بسیار دارد در کمین / تا بود روشن، مدار شمع بر لرزیدن است
(۲) سد راه جلوه مستانه نتواند شدن / سیل تقدیر تو را خار و خس تدبیرها
(۳) و ز لطافت که هست در طاووس / کودکان می کنند بال و پرش
(۴) هر که داد او حُسن خود را در مزاد / صد قضای بد سوی او رو نهاد

۱۵- مفاهیم «حتمی بودن مرگ، کرامت در مقابل لثامت، درمان ناپذیری عشق، تسلیم بودن در مقابل مرگ، زوال پذیری بخت و اقبال» به ترتیب در

کدام گزینه آمده است؟

- (الف) کیبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش به سوی دانه و دام
(ب) دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب / ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم
(پ) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد
(ت) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر / که عاقبت برود هر که ز مادر زاد
(ث) آن را که چنین دردی از پای در اندازد / باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها

(۱) الف، ب، ث، ت، پ (۲) الف، پ، ت، ث، ب (۳) ت، ب، ث، الف، پ (۴) ث، ت، ب، الف، پ